

Majallah-e-Tahqiq
 Research Journal of
 the Faculty of Oriental Learning
 Vol: 30, Sr.No.76, 2009, pp 119 – 136

مجله تحقیق
 کلیه علوم شرقیه
 جلد ۳۰، جولای - ستمبر،
 شماره ۷۶، ۲۰۰۹

منشی خیالی رام و روشهای حاشیه نگاری او بر کتاب اعجاز خسروی امیر خسرو دهلوی

مصباح الدین نرزیقول محمود زاده¹

Abstract:

Persian has been the court language of sub-continent throughout the Muslim period. Thousand of books over written and millions of verses were sung in this sweet language. Amir Khusraw is reckoned one of the most celebrated poets in literary history of sub-continent. He was not only a prominent poet but at the same time was a great prose writer as well. He has written many valuable books. Ejaz-e-Khusrawi is considered one of the important books left by him. In this article, the references written by Munshi Khayali Ram have been evaluated.

Keywords: Amir Khusraw, Ejaz -e-Khusrawi, Khayali Ram unshim

به نسخه چاپ سنگی کتاب اعجاز خسروی که در لکهنو کشور هند صورت گرفته و یگانه نسخه چاپی دسترس از این کتاب می باشد، حاشیه مفصلی نگاشته شده است. این حاشیه تا اندازه ای در معرفت درست کتاب خدمت می نماید. از این رو، در این مقاله، با توجه به کار انجام داده حاشیه نویس که اسم مبارک او در کتاب قید

¹ دانشگاه ملی تاجیکستان

نگریده است، از روی چند دلیل دست رس به شخصیت حاشیه نگار، قدر زحمت وی و مسأله های معرفت کلام فارسی در شبه قاره هند می پردازیم.

حاشیه نویسی یکی از معمول ترین شغل های ادبی در عصرهای میانه بوده، اگرچه از نگاه ماهیت به جریان شرح نگاری ارتباط دارد، از نگاه طریق نگارش و شیوه کار بین آنها فرق های نظر رسی موجودند که در مثال حاشیه کتاب اعجاز خسروی امیر خسرو دهلوی برملا نمودار می گردند. اگر به سابقه تدقیق در این مسأله توجه بشود، معلوم می شود که جریان شرح نگاری- بخصوص شرح آثار بدیعی- در ادبیات شناسی تاجیک مورد توجه دانش مندان قرار گرفته است. در این باره دانش مند توانای تاجیک استاد عبد المنان نصرالدین تدقیقات انجام داده و پیرامون مباحث شرح آثار ادبی کتابهای ارزشمند «نویسنده و شاریح آثار ادبی» (نصر الدین اف 1990)، «معرفت و شرح ادبیات» (نصر الدین اف 1991) و در دو جلد کتاب «شرح نویسی در تاریخ ادب فارس-تاجیک» (نصر الدین 2000 ؛ نصر الدین 2001) را تعلیف نموده است. اما در مسأله حاشیه نویسی همچون شاخه جداگانه معرفت ادبی، اگرچه در زمینه بررسی مسأله های معرفت کلام اشاره ها جای دارند، هنوز تدقیق جداگانه فراگر به میان نیامده است. انجام این کار باید از جمله وظیفه های اولین درجه ادبیات شناسی معاصر قرار بگردد.

نگارنده سطور هنگام بررسی مسأله شرح نگاری همچون رویه معمول علمی در عصرهای XIII-XIV که این دوره به زمان زندگی امیر خسرو نیز راست می آید، جریان شرح نگاری را در آن زمان و به صورت جامع در ادبیات شناسی عصرهای میانه به سه رویه طبقه بندی نموده بود: الف) تفسیر، تأویل و تنزیل قرآن، ب) شرح نگار به آثار بدیعی و پ) شرح آثار علمی. چنانچه این سه رویه را به حاشیه نویسی تطبیق نما ایم کار حاشیه نویسی به اثر امیر خسرو را حاشیه نویسی به آثار علمی می نامیم.

در مورد نام و نصب شارح اثر امیر خسرو در متن حاشیه ای معلومات دست رس نگردید. در خلال حاشیه نگاشته ها همین قدر معلوم می گردد که وی شاگرد مولوی احسان الله خان ممتاز بوده و به استاد خویش به درجه ای عنایت تام

داشته است که رأی او را از همه برتر می دانسته است. چنانچه، ضمن توضیح لفظ «کبریا» بنابر رعایه صنعت ترصیع، به قول استادش به صورت ذیل تکیه کرده است: «در بیشتر نسخ به جای «عظمت» لفظ «کبریا» مشتهر و از کبریا صنعت ترصیع هویدا نمی گردد. استاد بنده ممتاز الشعرا مولوی احسان الله خان ممتاز لفظ عظوت فرموده (که) صنعت ترصیع قائم ماند» (خسرو 1872، رساله یکم، 5). همچنین، در آخر صفحه مورد نظر، بیانش را مستفاد از استادش دانسته است. این تأکید دال بر این معنی است که شارح در ابراز نظر خویش خودخواه نیست، بلکه از اندیشه های استادش نیز سود جسته است.

مولوی احسن الله خان ممتاز شاعر هم بوده است. در مورد شرح واژه «رقیب» همچون شاهد معنای بیت زیرین او نقل شده است:

رقیب روسیه در دستم افتادست و دل شادم
که از بهر بلاگردانش زاغی کرده ام پیدا.

(خسرو 1872، رساله دوم، 213)

بیت زیرین نیز از همین شاعر است:

چه نطق و لب، چه رنگ و بو، چه جسم است؟
ز کیف خوبی اش هر پنج حس مست!

(خسرو 1872، رساله یکم، 116)

شخصیت حاشیه نویس را با توجه به مطالب تقریظی که در آخر نسخه چاپ لکهنوی کتاب جای دارد، معین کردن ممکن است. تقریض مزکور به زبان اردو و به قلم منشی غلام محمد خان نوشته شده است. به مقصد دست رسی اهل تدقیق به این تقریظ، متن کامل آن را در شکل ترجمه که با یاردم برادر ارجمند دکتر محمد ناصر پاکستانی به دست آمده است، نقل نموده و ثانی به اصل مقصد برمی گردیم. اقتباسات داخل تقریظ در صورت اصل، یعنی به زبان فارسی آمده اند:

تقریظ ریخته قلم جادو رقم منشی غلام محمد خان، مدیر مسول روزنامه

اوده، لکهنو

شعر: خذ ما کتبت بجد لو ترید ثری سحراً حلالاً علی القرطاس بالقلم.

[اگر ثروت و توانگری می خواهی، با تلاش فراوان بگر آن چه نوشته ام، - از (شعری)، که مانند جادوای درست است، بر کاغذ و قلم.]

اعجاز خسروی از نوشته های برگزیده حضرت امیر خسرو دهلوی است. این کتابی است که از اسلاف تا امروز دانش مندان و ادیبان نتوانسته اند، به چنین فصاحت و بلاغت نوشته ای را پدید آورند. در این کتاب در باره هنر انشائویسی، صناعات ادبی، لطائف و ظرائف، دقائق و حقائق، نکات و معانی به حدی بیان شده اند که گویا نویسنده اختراعات و ایجادات گوناگون کلمات و معانی را جمع آوری کرده است. حق این است که خداوند متعال از ازل این گنجینه معانی را برای امیر خسرو مخصوص کرده بود. فقط برای وی در عرش معانی قفل بود. دری که این فخر المتقدمین و امام المصنفین با کلید زبان درفشان خود باز کرد و فرصتی برای ما پیدا کرد که از آن استفاده کنیم. حقیقت این است که مانند «احیاء العلوم» حضرت امام غزالی، «مسنوی معنوی» مولوی، امرالقیس از فصحای عرب، «سبعة معلقه»، «سکندر نامه» نظامی، «گلستان» و «بوستان» سعدی، اعجاز خسروی حضرت امیر خسرو نیز کتابی است بسیار معروف و یادگار که چنین نوشته ای به دنیا نیامده و نخواهد آمد. هر که به هنر انشا نویسی ذوق و علاقه داشته باشد، می تواند از این کتاب بسیار فوق العاده استفاده بکند. با مطالعه این کتاب، نه تنها می توان دبیر بی مانند فارسی شد، بلکه استعداد در علم و ادب عربی را نیز افزود. زیرا ابیات عربی نیز با نظم و نثر فارسی نقل شده اند و زبان عربی خسرو کمتر از اهل زبان نیست، بلکه محاسن شعری و ویژگی های بیان از خود اهل زبانها برتر است. جالب این است که یک ادیب و فاضل و انشا پرداز بزرگ نیز مانند یک دانش جوی عادی می تواند از این کتاب استفاده کند.

اگر حاشیه این کتاب نوشته نمی شد و شرح و حل لغات و ترجمه ابیات عربی آورده نمی شد، شاید از هزاران هزار نفر کسی نمی توانست، مفهوم اصلی را درک کند. کسانی که ادعای معنی فهمی و انشا پردازی را دارند و خود را عالم و فاضل و همه دان می پندارند، اگر این کتاب را ملاحظه بکنند، اعتقاد بنده این است که جهالت آنان بر خود ایشان روشن می گردد. حضرت امیر چه کتابی نوشته، چه کلماتی

را آورده و چه جمله‌های را ساخته که هر کلمه‌ی وی دارای معانی بسیار و بیان‌گر هنر صنایع و بدایع است. این کتاب در دوره‌ی علاء‌الدین غری، پادشاه دهلی نوشته شد، پس در مدح آن پادشاه نیز صنعت‌گری دیده می‌شود.

اعجاز خسروی مشتمل بر پنج رساله است که هر یک بی‌مانند و بی‌نظیر است. نویسنده در آغاز کتاب رسائل الاعجاز فرموده است: «به فضل منشی بدائع آغاز کردم ترتیب این ترسل به طراوتی که سیلاب لطافتش قلم عطار را پای راست ستادن ندهد و موج لطافتش برجیس را آب از سر بکزراند. از صحایف این جریده مکتوباتی در یمن کرام کتاب آید که کراماً کاتبین را یمین تعظیم به ذیل عزت آن باشد و از نوردهای این برنیاں رقعها در آستین فضلاء انس و جان افتد که روح الامین بیوند جانش سازد و خضر که پیش از این به چندین هزار سال آب در سیاهی انداخت همانا انتساخ این نسخه را انتظار می‌کرد و عیسی که چندین دور در بیت معمور معتکف گشت مگر قرأت این کتاب را ترصد می‌نمود. هم در دیوان ازل که این دفتر به تحریر پیوست قلم قضا بیاسود و تا ابد که روز و شب نباشد این سواد و بیاض خواهد بود. نظم:

کراز جهان برود روز و شب متری زانکه
مقام هر دو نگه دارد این بیاض و سواد.

پنهان‌نماند که نویسنده مانند کتابهای نویسندگان بی‌نظیر و دبیران مشاهیر کتاب خود را در ابواب و فصول تقسیم و مرتب کرده است. فهرست کامل رساله‌ها به این ترتیب است: الرسالة الاولى فی المفردات و المركبات، یعنی رساله اول در بیان مفردات و مرکبات و شامل ده خط است؛ الرسالة الثانية فی المرتبات من المکتوبات علی عشرة خطوط (در این رساله ترتیب مکتوبات بیان شده است). الرسالة الثالثة فی اللطایف من المصنوعات تشتمل علی خطین، یعنی در رساله سوم لطایف و صناعات عبارات و انشا در دو خط ذکر شده است. الرسالة الرابعة فی البدایع من المعنویات تشتمل علی خمسة خطوط، یعنی چهارمین رساله در بیان بدیع معنوی است، در پنج خط. الرسالة الخامسة فی السوابق من المنشآت تشتمل علی سنته خطوط. در رساله پنجم روش قدمی انشا‌نگاری ذکر شده و شامل شش فصل است.

خط اول (منظور رساله اول - م.ن.) در کیفیتی چند مختلف که نمودار آن ضروریست، مشتمل بر هفت حرف، **خط دوم** در مفردات، مشتمل بر پنج حرف. **خط سوم** در لطائف الفاظ نحو و تصریف و ادوات و حروف تجوی و آنچه بدین مناسب است و نمودار انکیخت در اینها، مشتمل بر هشت حرف. **خط چهارم** در نوادری که از الفاظ و اصطلاحات علوم خیزد، مشتمل بر چهار حرف. **خط پنجم** در الفاظ مصطلح ترسلات قدیم و نمودار استعمال به رسم جدید، مشتمل بر نه حروف. **خط ششم** در مناسبت ترکیب الفاظ و القاب و اسامی و کتابتی که از اول نامه تا آغاز غرض آید، مشتمل بر سه حرف. **خط هفتم** در آغاز مضمونات و اغراض مکتوبات، مشتمل بر شش حرف. **خط هشتم** در ادعیه قدیم و جدید بر بست حکایت، مشتمل بر سه حرف. **خط نهم** در تاریخ، مشتمل بر هفت حرف. **خط دهم** در شرائط نسبت، مشتمل بر هشت حرف. **قطعه:**

هر آنچه اندر دو حرف کن معانی است از این ده خط توانی کرد معلوم
 بماند این رقم چون نقش بر سنک که بنشیند به دل چون نقش در موم.
خط اول (منظور رساله اول، بعد از آن حرفهای همین خط می آید - م.ن.) در کیفیتی چند مختلف که نمودار آن ضروریست، مشتمل بر هفت حرف: **حرف اول** در ماجرای شرائع مترسلان قدیم و روش جدید که از عین طبع متبحران هند موج زده. **حرف دوم** در باعثه ابداع طرز. **حرف سوم** در صفت طریقه بخته مترسلان و بیان خامه راندن جدید کاتب. **حرف چهارم** در گسستن حمانل تضمین از این مخدره و هم از سلک نظم ملکش سوار پوشانیدن. **حرف پنجم** در معزرت شعر عربی خویش. **حرف ششم** در ترک بیرایهای لفظی. **حرف هفتم** در التماس تصحیح و اتقان کتابت این کتاب. **بیت:**

این بیت که روحراست خانه هست از پی فرق در میانه.

این فهرست فقط نشان دهنده ترتیب ظاهری کتاب است، اما تمام ویژگی های کتاب را با خواندن کامل آن می توان درک کرد. شخصیت حضرت امیر خسرو و این کتاب هر دو محتاج ستایش ظاهری نیستند و خوبی های این کتاب از اهل نظر پنهان نیست، بلکه فقط یک عالم و دانش مند ارزش این کتاب را می تواند بفهمد. بنده، نمی

خواهد صحبت را طول بدهد، اما شایان ذکر است که حضرت امیر عروس سخن را لباص رنگین و دل فریب پوشانیده و دل عاشقان معنی را ربوده است. زیبایی سخنان وی حوران بهستی را مطیع خود می سازد.

دفتر اول این انشای معجز بیان با حواشی عالم بی مانند، مولوی غلام حسین کنتوری توسط همین چاپخانه به چاپ رسیده و در چند روز به فروش رفته است و مردم باز هم مشتاق آن کتاب هستند. مرحوم منشی خیالی رام تمام کتاب را طوری ترتیب داده که حواشی دفتر اول را مثل سابق آورده و اصطلاحات و حواشی را اضافه کرده است. منشی نولکشور، صاحب چاپخانه روزنامه اوده کتاب کامل را با حواشی کامل منشی خیالی رام در ماه اپریل (آوریل) 1876 میلادی، مصادف با ماه ربیع الاول 1293 هجری روی کاغذ درجه یک به چاپ رسانیده است. این ماده تاریخ (قطعه) در خصوص چاپ کتاب نتیجه ذوق و استعداد نواب محمد احمد حسن خانصاحب، متخلص به جوش است:

طبع گردید چو این نسخه نادر، ای جوش هاتف غیب بر افلاک به من داد آواز
فکر تاریخ ترا هست اگر مد نظر از پی سال بگو: باد چراغ اعجاز»
(خسرو 1876، رساله پنجم، 174-175).

برگردیم، به غرض اصلی امان. از پایان تقریظ معلوم می شود که مؤلف حاشیه کامل رساله های پنج گانه اعجاز خسروی منشی خیالی رام بوده و کتاب با حواشی او پس از مرگش از جانب منشی نولکشور به چاپ رسیده است. قبل از منشی خیالی رام به دفتر اول اثر مولوی غلام حسین کنتوری حاشیه نگاشته بوده است و کار وی در این طبع با علاوه و تکمیل به هم آمده است.

منشی خیالی رام، ضمن کار خویش نسخ دگر اعجاز خسروی را هم پیش دست داشته است، چنانکه چندین کت در مورد شرح این یا آن واژه از نسخه های دیگر نیز یاد کرده است. از جمله، در موارد ذیل: الف) «وتر: به فتحین زیه کمان و زیه هر چه باشد و در بعضی نسخ به جای وتر لفظ تیر هم دیده شد» (خسرو 1872، رساله یکم، 117؛ ب) در جای دگر به طور مشخص از نسخه مولوی عبدالواسع یاد

کرده است: «در نسخه مولوی عبد الواسع همین یافته شد...» (خسرو 1872، رساله یکم، 117). از این نسخه موارد دیگری هم یاد شده است.

همین طور، هنگام شرح و معنی کردن کلمه‌ها، با توجه به نشان داد نسخه‌ها، اکثر شکل به نظر شارح صحیح نسخه بدل‌ها ذکر شده‌اند. از این‌جا می‌توان چنین نتیجه به دست آورد که کار حاشیه‌نویسی منشی خیالی رام بر اعجاز خسروی یک نوع، کار تصحیح متن در زمان او نیز می‌باشد.

حاشیه مورد نظر به صورت کتاب جداگانه - چنانکه در عصر‌های میانه در مورد شرح و توضیح این یا آن اثر حاصل کار شارح با نام‌های گوناگون انتشار می‌یافت - تنظیم نشده است. بلکه نتیجه کار او در حاشیه هر یک صفحه نگاشته شده است و از روی آن روشهای کار شارح و مختصات نظر وی را استخراج و بررسی نمودن ممکن است. به طور ذیل:

1- معمولاً ترجمه کلمه، ترکیب و ابیات عربی ذکر گردیده و گاهی پیرامون بعضی واژه‌های ترکیب کلام عربی، خصوصیات دستوری آنها مطرح می‌گردد. این روش حکم عمومی داشته و از آغاز تا آخر کتاب رعایت می‌شود.

ترجمه آیات کلام ربانی آورده می‌شوند، اما در مورد منصوبیت آنها به سوره‌ها اشاره نمی‌شود. به احادیث نبوی نیز اشاره و ترجمه آنها نوشته می‌شود.

2- در مورد شرح پهلوی‌های معنای کلمه‌ها به نظر دانش‌مندان دیگر، از جمله اصحاب لغت عنایت فرموده و در آخر معنی مورد نظر یا خود معنی به مراد مؤلف موافق تاکید می‌گردد. مثلاً، ضمن شرح واژه «کتاب» که در آغاز کتاب، در ترکیب عربی «هذ الکتاب...» مندرج است، چنین آمده است: «... و یکی از ارباب تحقیق، نوشته که کتاب، به کسر اول، از اوزان باب تفعیل است، به معنی نوشتن. پس، به معنی مکتوب مستعمل، بر این اعتبار که مصدر به معنی مفعول گفته می‌شود. در این‌جا مراد از معنی اول است» (خسرو 1872، رساله یکم، 2). مراد از «یکی از ارباب تحقیق» در این نقل قول اندیشه مؤلف کتاب «غیاث اللغات» می‌باشد.

3- هنگام معنی کردن کلمه‌های جداگانه، طریق تلفظ درست کلمه و شرح معنایی آنها با توجه به یکی از کتاب‌های لغت معتبر ذکر می‌گردد. حاشیه‌نگار در

کار شرح و توضیح کلمه و عبارات از فرهنگ و لغت نامه های که سود جسته است، گاهی با آوردن اسم پره کتاب و گاهی مختصر آن، به طور زیرین یاد کرده است: بهار عجم، کشف اللغات، برهان، منتخب اللغات، صراح، غیث اللغات، رشیدی، مدار، سراج اللغات، چراغ هدایت، موند، لطائف، کنز، مزیل الاغلات، بهرالجواهر، لغت بابا، سروری، مصطلحان وارسته، زبده الفوائد، نصاب، فرهنگ عبدالرزاق، قاموس، جهان گری، حل اللغات، فرهنگ حسینی، صحاح، مرعات، جهان نما، زفان گویا.

به نظر می رسد که شارح، در این میان، بیشتر به قول صاحب «منتخب اللغات» عنایت فرموده است. چون به این لغت مراجعت کردیم، معلوم شد که چنین برخورد بی سبب نبوده است: «منتخب اللغات» منتخبی از کتاب های لغت معتبر، به مثل قاموس، صحاح و صراح بوده و چنان که در مقدمه آن آمده است، «کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیرالاستعمال که با زبان فارسی عامه فهم تنظیم گردیده است» (ططوی ۱۸۹۱، ۸).

4- انتخاب کلمه های سیر معنا و کاربست آنها در میان ترکیب و جمله ها یکی از مختصات اساسی طریق بیان امیر خسرو محسوب می شود. از این جاست که شارح، ضمن شرح چنین کلمه ها نخست از روی فرهنگ و لغت نامه های معتبر پهلو های معنایی آنها را یکایک برمی شمارد، ثانی معنی مناسب را تأکید می نماید. به مثل نمونه زیر: «سواد: در صراح به معنی سیاهی و مال کثیر و دهات گرداگرد و دانه سیاهی که در دل است و هر عددی که بسیار باشد، نوشته. و این جا به معنی گرداگرد مناسب است... (خسرو ۱۸۷۲، رساله یکم، ۳).

حد اقل به دو و یا سه معنی و حد اکثر دلالت بر شانزده، بیست و هشت و از آن هم زیاد معنی داشتن کلمه برمی خوریم. مثلا، در ذیل واژه «بر» به بیست و هشت معنی دلالت کردن آن تأکید شده است (خسرو ۱۸۷۲، رساله یکم، ۳). برای معنی مناسب، اکثر یک معنی نزدیک به مراد و گاهی دو معنی تأکید می شود.

بعضا، با توجه به طریق هنری بیان و کلام صنعت گرایانه امیر خسرو، صناعات بدیعی مندرج در فقره های جداگانه مشخص و یادرس می شوند. معمول ترین صناعات بدیعی ای که شارح - غیر از صناعات مندرج در رساله مصنوعات -

به آنها اشاره کرده است، اینها اند: اشتقاق، تشبیه، تجنیس و انواع آن، ضمن اللفظ، کنایه، ترجمان، متضاد، ترسیع، ایهام، مبادله‌الراسین، قتع الرأس، قلب، تضاد معنوی، معما. چنانچه اسامی صناعات بدیعی در خلال متون درج شده باشند، در حاشیه همان اصطلاح از روی معنی لغوی و اصطلاحی توضیح می‌یابد.

7- در چند مورد به شمار، به کدام بحر متعلق بودن بیت و صورت تقنیعی آن به صورت خطی و گاهی تنها تقطیع بیت ذکر می‌گردد. به نظر ما، توجه به این منوال، به خاطر درست خواندن ابیات عربی است. حالاتی هم به مشاهده می‌رسند که شارح از روی تعیین وزن شعر به سحو کاتبان نیز اشاره می‌کند (خسرو 1872، رساله یکم، 11).

8- مناسبت بین واژه‌ها در فقره‌ها به گونه‌ی خیلی زیاد تأکید می‌شود، به اندازه‌ای که در بعضی موارد نالازم می‌نماید.

9- تعبیرها به صورت جامع توضیح یافته‌اند، به مثل نمونه‌های ذیل: سر مگس، یعنی اندکی؛ زبان داد: ظهور معانی، کمال معانی، زبان یافته، اقرار کرد؛ به کام رسانید: به مقصود فایض گردانید؛ صحیفه غیب: مراد از لوح محفوظ، یعنی قرآن کریم.

10- توجه حاشیه‌نگار در معنی کردن بعضی کلمه‌ها به اندازه‌ای عمیق است که پهلوه‌ای معنایی واژه‌ها را به سه زبان بیان می‌کند. مثلاً، به شرح معنایی لفظ «کلاب» توجه فرمائیم: «کلاب جمع «کلب» است. در عربی به معنی سگ باشد و در فارسی گرد بر گرد دهان و منقار مرغان و به ضم ثانی، هندویان یک شبانه روز برهمنی را گویند که آن هزار سال باشد» (خسرو 1872، رساله یکم، 16).

پس از چنین معنی کردن، خواننده باید سر معنی مورد نظر توجه بکند، تا دریابد که منظور نویسنده کدام معنی است. اکثر با توجه به هر سه پهلوی معنایی واژه به دست آوردن رشته‌اندیشه ممکن می‌نماید، اما در این صورت شرط اساسی آگاه بودن خواننده از طریق بیان و مختصات سبک نگارش نویسنده می‌باشد.

ضمناً، در معرفت طریق سخن خسروانه توجه به معنای ترکی بعضی واژه‌ها هم مهم است. از این جاست که در حاشیه به شرح ترکی چند کلمه نیز دچار می‌

شویم. از جمله: تیمور: در ترکی آهن را گویند؛ قیق: کوه محیط به دنیا، یعنی کوه قاف و به زبان ترکی، نعره به آواز بلند را گویند (خسرو 1872، رساله یکم، 16).

11- گاهی اوقات، ذیل ترکیب «حاصل این فقره این است»، مطلب مصنف با

جمله نسبتاً ساده و فهماتر، یعنی بدون پیرایه های بیانی و بلاغی ارائه می گردد.

12- یکی از معمول ترین اصول شرح کلمه ها آوردن مرادف عربی آنها می

باشد که این منوال اغلب در شرح کلمه و عباره و ترکیبات فارسی اصل استفاده شده است. در این خصوص باز توقف خواهد شد.

13- در شرح و معنی کردن کلمه ها همچون شاهد معنای از اشعار شاعران

زیادی نمونه ها ذکر گردیده اند. موافق فهرست تهیه کرده ما، شماره شاعرانی که از اشعار آنها شاهد معنای نقل شده است، به یک صد و شست و شش می رسد. به این شماره، اشعاری که بدون ذکر اسم گوینده با ترکیب «شاعری گوید» آمده اند، علاوه می گردند. در سه رساله آخر اعجاز خسروی هشتاد و شش مورد همچون شاهد معنای اشعار امیر خسرو نیز نقل شده است.

به نظر می نماید که حاشیه نگار، بعضاً برای زیبای ظاهری حاشیه، یعنی به

خاطر پر کردن حاشیه صحیفه ذیل یک کلمه از ایجادیات شاعران زیادی نمونه های شاهی زیادی نقل می کند که به کلی در درک معنی همگون می باشند.

14- حاشیه نویس، نظر محققانه دارد، چنین صفت کار وی در شرح واژه

های جداگانه به مشاهده می آید. همچنین، در لابه لای توضیحات معلوماتی نیز جای دارند که دلالت بر پهنای نظر تحقیقی و اهمیت سرچشمه ای کار او دارند. مثلاً، با توجه به معلومات فرهنگ نامه ها ضمن معنی کردن واژه «رشته» به صورت ذیل شرح می دهد: «... و این که در هندوستان به معنی خویشی و قرابت مستعمل می شود، در فارسی دیده نشد...» (خسرو، رساله چهارم، 66). روش مذکور، بخصوص در مقایسه واژه های که در هند هم رایج بوده اند، به نظر می رسد.

طریق دیگر، چنین است که حاشیه نگار در توضیح کلمه های جداگانه از

دائرة معلومات کتب فرهنگ و لغت هم خارج می شود و با تکیه به سرچشمه های ادبی دیگر، کوشش جست و جوی صورت صحیح کلمه ها را می کند. چنین روش در

130 منشی خیالی رام و روشهای حاشیه نگاری او بر اعجاز خسروی مصباح الدین نرزیقول

معرفت عمومی کلام امیر خسرو و دستیابی به پهلوهای معنایی واژه های سیرمعنی مساعدت می نماید. باری، به غیر از فرهنگ و لغت نامه ها، که سرچشمه اصلی اند، از کتب و رسائل ذیل استفاده شده است: شرح نصاب الصبیان، مجمع الصنائع (از این کتاب در مورد شرح صنعت ایهام استفاده شده است)، تحفه المؤمنین (در مورد شرح اصطلاحات دینی)، خیابان، رساله عروض، ترجمه مقامات حریری، تشریح الحروف، شرح قران السعدین، شرح سکندر نامه (از خان آرزو)، رساله معربات، رساله نجوم، شرح قصائد عرفی، تذکره الاولیا.

15- در میان حاشیه نگاشته ها به تحقیق هم دچار می شویم. به این معنی که حاشیه نویس، در مورد شرح برخی کلمه ها از دایره معنی داد واژه ها فراتر گام نهاده و اکثر با توجه به منابع و گاهی بدون ذکر سرچشمه ای نتیجه تدقیق خویش را منظور می گرداند. همچون مثال، می توان از اندیشه های در ذیل کلمه های «ذوالاکناف»، «اولیا» و «جم» ارائه گردیده اشاره کرد (خسرو 1872، رساله یکم، 17، 24، 31). برای نمونه تحقیق واژه آخر را نقل می کنیم: «جم: اگر با خاتم و نگین و بلقس و ماهی و امثال آن مذکور بود، مهتر سلیمان مراد بود؛ و اگر به مقابله آئینه و صد و امثال آن افتد، سلطان سکندر مراد؛ و آن که پیاله و شراب در آن بیت مرقوم باشد، جمشید معین بود؛ چون از این چیزها چیزی مستور نبود، هرچه مقتضی محل باشد، همان مراد دارند».

چنین اندیشه ها که برای معرفت کامل واژه های مورد نظر بیان گردیده اند، ماهیت ادبی و معرفتی کار حاشیه نویس را دوچند گردانیده اند و با توجه به همین منوال کار او را تألیف علمی جداگانه حسابیدن غلط نیست. در این راستا، با حذف تکرار های موجود، دسته بندی مطالب و با نظام الفبای تهیه و به چاپ آماده کردن متن کامل حاشیه اعجاز خسروی نیز به مقصد موافق می نماید.

حاشیه اعجاز خسروی حاوی مجموع اطلاعات علمی و ادبی نیز می باشد. به این معنی که شارح ضمن شرح مطالب جداگانه بر آگاهی های ناکفایه ما آگاهی می افزاید. مثلا، در خلال حاشیه نگاشته ها از حاشیه ای آگاه می شویم که قبل از او کس دیگری بر کتاب مورد نظر نگاشته بوده است، به طور ذیل: «زر رشته...: به معنی

کلابتن در حاشیه نوشته، مگر در کتابی دیده نشد» (خسرو 1872، رساله یکم، 12). به همین منوال از حاشیه کتاب در موارد دیگر نیز یاد می شود (خسرو 1872، رساله یکم، 15، 16، 18، 31...).

نظر حاشیه نگار به نسخ حاشیه های مورد نظر بسیار احترامانه و با حسن رعایه امانت صورت گرفته است. در بعضی حالات اندیشه مستور در حاشیه نسخ موجود را از همه معانی اولی می داند (خسرو 1872، رساله یکم، 31). چنانچه واژه ای را از لغت پیدا نکرده باشد، با ذکر معنی مستور در حاشیه اکتفا می کند (خسرو 1872، رساله یکم، 59). یا خود چندین شرح های به لغت منظوم عربی به فارسی ابونصر فراهی نگاشته شده به ما معلوم است (نرزیقول 1998، 15-17)، باز در در حاشیه مورد نظر اطلاع پیدا می کنیم که مولانا یوسف ابن مانع نام دانشمند به «نصاب الصبیان» شرحی نوشته بوده است (خسرو 1872، رساله یکم، 12).

در حاشیه صفحه نهم رساله چهارم، ضمن شرح واژه «عقل» به معنی خرد و دانش، از شرح مذکور به صورت ذیل معلومات واضحی جای دارد: «عقل: بالفتح، خرد و دانش و آن قوتی است نفس انسان را که بدان تمییز دقایق اشیا کنند و آنرا نفس ناطقه نیز گویند. و مولانا یوسف ابن مانع در شرح «نصاب» نوشته که عقل در اصل لغت مصدر است به معنی بند در پا بستن. چون خرد و دانش مانع رفتن طبیعت می شود، به سوی افعال ضمیمه، لهاذا خرد و دانش را عقل گویند...».

باری، از این نمونه ها بار دیگر اهمیت سرچشمه ای اعجاز خسروی تعیین می گردد و باز در خلال حاشیه نگاشتا ها به اسامی آثار دیگری نیز دچار می شویم. برای مثال، در معنی کردن مفهوم «تشبه» از ملا نصیرای همدانی نام دانشمند و «دبیایه خاص» وی چنین معلومات ذکر گردیده است: «تشبه: مانند کردن چیزی را به چیزی و با لفظ کردن مستعمل. ملا نصیرای همدانی در دبیایه خاص نوشته:

تشبه توان کرد به صحن چمنش لیکن چو نظر کنی در این جا سخنی

است» (خسرو 1876، رساله چهارم، 11).

به این مانند، موارد دیگری نیز، در خلال حاشیه ها به اسامی تعدادی از کتاب و مؤلفان دچار می شویم، به مانند ذکر شیخ عبدالحق نام دانشمند که در «اخبار اخیار» گفته که «لاچن» نام ملک امیر خسرو هم هست (خسرو 1872، رساله یکم، 22)، «مجمع السیر» نام کتاب از شیخ الاسلام عبدالله انصاری (خسرو 1872، رساله یکم، 22) و غیره.

همین طور، اعجاز خسروی تنها شرح و معنی داد الفاظ نبوده، بلکه توضیح و تحقیق نیز هست. نظر تحقیقی حاشیه نگار، در میان حاشیه نگاشته ها بر ملا نمودار می باشد. او از منابع و مأخذ گوناگون به خوبی استفاده کرده و در حالات ضروری مطالب لازم را به گونه ای خاص تلخیص هم کرده است.

واقعا، زحمتی که شارح کتاب امیر خسرو متحمل شده، باعث ارج گذاری و شایان تقدیر می باشد، اما در کار او، به نظر ما، چند ایرادی هم وارد است:

الف) به مناسبت بین کلمه های جداگانه به اندازه ای زیاد توجه داشته است که بعضاً حواشی صفحات را کاملاً ذکر چنین مناسبات فرا گرفته است. روش بیان مناسبت بین واژه ها چنین است که مجموع لغات و یا لغت علییده ذکر گردیده و به کدام کلمه مناسبت داشتن آنها تأکید می شود. مثلاً، الفاظ فلان، فلان و فلان مناسب بهمان، یا خود برای لفظ فلان کلمه بهمان...

ب) تکرار اندیشه نیز خیلی زیاد از یک صفحه به صفحه دیگر می کوچد. به نظر می رسد که حاشیه نگار در حاشیه هر صفحه، به صورت جداگانه شرح کلمات نشوار و مناسبات بین الفاظ مندرج در همان صفحه را هدف اساسی خویش قرار داده است.

پ) در متن اعجاز خسروی واژه های زیاد غیر فارسی نیز استفاده شده اند که آگاهی از معنای آنها در معرفت کلام مهم است. با توجه به امکان حضور معانی چنین واژه ها حاشیه نگار آنها را بعضاً با معادل هندی و ترکی ذکر کرده است که گاهی به اعتبار روش فکر، در معنی مطلب مورد نظر، هیچ مناسبتی ندارند. مثلاً، واژه های «خصم» و «خسرو» را در نمونه های ذیل بررسی می کنیم:

1. شهسوار دین نصیر الحق تونی کز تو نصرت هاست دین و داد را

چون شوی بر پشت زین لرزد چو تیغ خصم، گر ز آهن کند بنیاد را...

یاد ماند لطف خسرو را و پیش کی فراموشی بود این یاد را

(خسرو 1872، رساله دوم، 344)

توضیح واژه «خصم» - در مثال نخست - در حاشیه به طور ذیل است:

«خصم: بالفتح، دشمن و ضعیف و زبون و در هند شوهر را خصم گویند. قبول:

ز بس تندی بصر ها تنگ می گیرند بر مردم

زنان آن جا از این ره خصم می نامند شوهر را.

میر حسن دهلوی:

چند گونی ز خانه کعبه کار با خصم خانه افتادست».

چنین روش شرح، برای دریافت پهلوهاب معنایی واژه های امثال «خصم»

که در شعر پارسی بسامد چشمگیر دارند، دارای اهمیت معرفتی اند، اما در متن مورد نظر، منظور فقط معنی لغوی کلمه می باشد و بس. در این مورد چند معنای موقع ندارد. لذا، دریافت معنی منظور مهمتر از معنی ای می باشد که با طور باید و شاید به اعتبار گرفته می شود.

در نمونه دوم واژه «خسرو» به صورت ذیل شرح یافته است که نمایانگر

جنبه هنری استفاده آن و دریافت معنی امکان بوده و به قضیه مربوط ارتباط دارد: «خسرو: خان آرزو می فرمایند: خسرو: مشهور به ضم اول است و بعضی به کسر خوانند و استاد محقیق می فرمایند که گمان دارم، صحیح به ضم اول و سوم بود. قلب: خورسو، «خور» آفتاب و «سو» فروغ. پس، معنی ترکی آن آفتاب فروغ باشد، با قلب سنجرو که «سنج» به معنی خوب آمده و دور نیست که مبدل خوشرو به معنی خوبرو باشد...».

ضمناً، تهلیل و بررسی واژه شناسی کلام امیر خسرو، با توجه به معیار

های زبان شناسی تنبقی، موضوع تحقیقی جالب و ارزش مندی می باشد که محقیق آگاه را می خواهد. در شناخت واژه و ترکیب و عبارات کلام امیر خسرو و برای ورود به عالم رنگین رقص کلمات در سخن منصور متن حاشیه اعجاز خسروی، می تواند به مثابه یکی از مفتاحات اساسی خدمت بکند.

ت) به نظر می‌رسد که مخاطب حاشیه‌نویس، قبل از همه، خواننده پارسی‌خوان شبه‌قاره هند بوده است، چنانکه بعضاً به شرح و معنی داد عبارات‌های او به رو می‌شویم که برای خواننده پارسی‌زبان معلوم و مفهوم بوده و نیاز به توضیح نمی‌ماند. در این صورت در برابر عبارات معادل عربی آنها ذکر می‌گردد، مثل نمونه‌های ذیل: روز بد: یوم نحس، روشن کن: ظاهر نما (خسرو 1876، رساله چهارم، 53)...

روشهای مزبور و مختصات نظر حاشیه‌نویس تا اندازه‌ای بیانگر طریق معرفت‌کلام فارسی در شبه‌قاره هند نیز می‌باشد. از این رو، به چند نکته دیگر اشاره خواهد شد که به مسئله مزکور گره می‌خورد: نخست این که شبه‌قاره هند در زمان امیر خسرو یکی از مشهورترین مراکزهای رواج هنر و صنعت به حساب می‌رفت. دلیل واضح کارنامه همین شاعر و نویسنده توانا در زمینه سخن فارسی می‌باشد که حادثه ادبی انکارناپذیر می‌باشد. معرفت درست کلام، شناخت ابتکارات و ابداعات و اختراعات امیر خسرو زمینه‌بزرگی برای تأمل عمیق در دریافت معانی اعجاز آفر کلام در قالب سخن فارسی گردیده است که با روشهای آن شناس شدیم. همین منوال، به طور عموم و توجه به معانی لغات به صورت مخصوص در دوره‌های بعدینه سبب و سرچشمه ابتکارات دیگری در حوزه ادبی شبه‌قاره هند می‌گردد. دیگر این که حاشیه‌نگار، در حاشیه‌ای که به اعجاز خسروی نگاشته است، توجه به زبان فارسی ماوراالنهر داشته است که این حالت بی‌سبب نیست: در شبه‌قاره هند زبان فارسی ماوراالنهری بیشتر رایج بوده و اعجاز خسروی در تکیه به همین شاخه بزرگ زبان فارسی نوشته شده است. این معنی را در خلال حاشیه‌نگاشته‌ها هم خواندن ممکن است، به مثل نمونه ذیل: «.. و چون لفظ «نان» به لهجه ایرانیان خوانده شود، «نون» می‌شود (خسرو 1872، رساله یکم، 155). یا خود دلیل دیگر این است که غیر از الفاظ عربی تعداد زیاد واژه‌های را که حاشیه‌نویس با راه ذکر مرادف عربی کلمه معنی کرده است، برای خواننده امروز تاجیک نیاز به شرح ندارند. مثلاً، در ترکیب «کلید درهای سماوات» برای خواننده تاجیک شاید واژه «سماوات» نیاز به شرح داشته باشد، اما حاشیه‌نویس آنرا به صورت «کنز دروازه‌های آسمان‌ها» معنی کرده است که معنی «کنز» نه کلید، بلکه گنج، خزینه، دفینه می‌باشد.

در باره زبان فارسی هند و مناسبت آن به فارسی تاجیکی، توجه امیر خسرو به فارسی ماوراالنهر و رواج آن در قلمرو هند تاریخی در خلال تحقیقات دانشمندان نیز می توان با اشاره های قابل توجه برخورد (باره ۱۹۳۴؛ عالماف، انت؛ سلیمی ۱۳۷۲؛ احمد ۱۳۶۷؛ علی یوف ۱۹۶۸؛ علی مردان اف ۱۹۶۸؛ مختاراف ۲۰۰۸)، اما تحقیق کامل و فراگر این مسئله مجالی دیگر می خواهد.

کتابنامه

احمد 1367 - عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، برگردان از تقی لطفی، تهران، 1367، 424 ص. باره 1934 -

Borah M.L. 1934 - Borah M.L., The Nature of the Persian Language written and spoken in India during the 13 and 14 centuries. - Bulletin of the School of Oriental Studies (BSOS), vol. VII, part 2, L., 1934, P. 325-327.

خسرو 1872 - دهلوی، امیر خسرو، اعجاز خسروی، جلدهای یک و دو، مقام لکهنو، 1872، 558 ص

خسرو 1876 - دهلوی، امیر خسرو، اعجاز خسروی، جلدهای سه، چهار و پنج، مقام لکهنو، 1876، 631 ص.

سلیمی 1372 - سلیمی، مینو، روابط فرهنگی ایران و هند، تهران، 1372، 223 ص.

عالماف، انت - عالم اف، مظفر، تاجیکان در هند: دولت و دولت داری، پایگاه انترنتی خانه نشیاتی شویتسیه 1998-200 (به زبان روسی).

علی یوف 1968 - علی یوف گ. یو، ادبیات فارسی زبان هند، مسکو، 1968، 347 ص. (به زبان روسی).

علی مردان اف 1968 - علی مردان اف، امری یزدان، استاد عینی و ادبیات تاجیک زبان هندوستان، هندوستان و پاکستان، دوشنبه، 1987.

مختاراف 2008 - مختاراف، احرار، رودکی و میراث او، دوشنبه، 2008، 126 ص.

نرزیقول 1998 - نرزیقول مصباح الدین، ادبیات شناسی فارسی تاجیکی در عصرهای XIII-XIV، دوشنبه، 1998، 112 ص.

نصر الدین اف 1990 - نصرالدین اف، عبد المنان، نویسنده و شارح آثار ادبی، دوشنبه، 1990، 131 ص.

نصر الدین اف 1991 - نصرالدین اف، عبد المنان، معرفت و شرح ادبیات، دوشنبه، 1991، 192 ص.

نصر الدین 200 - نصرالدین، شرح نویسی در تاریخ ادب فارس-تاجیک، قسم 1، خجند، 2000.

نصر الدین 2001 - نصرالدین، شرح نویسی در تاریخ ادب فارس-تاجیک، قسم 2، خجند، 2001.